



دانشگاه باقرالعلوم «علیه السلام»  
دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ  
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

# بررسی تطبیقی عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی و آیت الله نائینی

استاد راهنما:

دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

دکتر سید محمدتقی آل غفور

نگارش:

کاظم محدثی

بهمن 1393

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم «علیه السلام»  
دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ  
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

# بررسی تطبیقی عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی و آیت الله نائینی

استاد راهنما:

دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

دکتر سید محمدتقی آل غفور

نگارش:

کاظم محدثی

بهمن 1393

## صفحه صورت جلسه دفاعیه



### تقدیم به:

- ساحت مقدس پیامبر عظیم الشان اسلام که اولین منادی وحدت مسلمین در جهان بودند؛
- به شهدای عزیزی که جان خود را در پی شناخت حق تقدیم نمودند؛
- به انسان‌هایی مانند آیت الله نائینی و امام خمینی که در راه تحقق عدالت در جامعه کوشیدند.

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس به درگاه خدای مهربان و عزیز که نعمت بیان و قلم را به ما ارزانی داشت و تقدیر و تشکر از همه‌ی اولیای الهی که مسیر هدایت را فرا روی حق طلبان قرار دادند و نیز با تقدیر و سپاس از تمامی اساتید و بزرگوارانی که در طول تحصیل، افتخار شاگردی آنان را داشتیم. به ویژه اساتید محترم جناب آقای دکتر نجف لک زایی و جناب آقای دکتر آل غفور که با راهنمایی‌های دلسوزانه، مدبرانه و عالمانه خود، این جانب را در امر تحقیق این رساله یاری نمودند.

در نهایت از همسر مهربان و دلسوز و دختران عزیزم طهورا و کوثرالزهرا، سپاسگزاری به عمل می‌آورم.

## چکیده

عدالت سیاسی از شاخه‌های عدالت اجتماعی بوده که همواره مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده است. در میان اندیشمندان و فعالان سیاسی، آیت الله نائینی (ره) و امام خمینی (ره) به دلیل شرایط زمانی خود، بیشتر به این مقوله پرداخته و آن را مورد توجه قرار داده‌اند، پرواضح است که نگاهی عالمانه و عمیق و ژرف به اندیشه‌های بزرگان و محققان، همراه با مقایسه تطبیقی و مورد تفحص و تجزیه و تحلیل قرار دادن آنها، موجب رسیدن به ایده‌ها و مؤلفه‌هایی سودمند و کارساز در رسیدن به هدف از بعثت انبیاء در جامعه، می‌باشد.

در این پژوهش با عنوان بررسی تطبیقی عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی و آیت الله نائینی، در صددم تا در حد امکان شاخص‌های عدالت سیاسی از دیدگاه این دو بزرگوار را مطرح کرده و با یکدیگر مقایسه کنیم. امام خمینی در راستای تحقق عدالت سیاسی مؤلفه‌هایی همچون حکومت اسلامی و یا به تعبیری جمهوری اسلامی، ولایت فقیه، تفکیک قوا، آزادی و صدور انقلاب را مورد توجه قرار می‌دهد، مرحوم نائینی هم با توجه به مقتضیات زمان خود مؤلفه‌هایی همچون سلطنت مشروطه، تفکیک قوا، آزادی و پرهیز از استبداد، نظارت و ولایت فقها را مورد توجه قرار می‌دهد. در مقایسه‌ی مؤلفه‌های مطرح شده از جانب این دو بزرگوار می‌توان گفت که تفاوت اساسی این دو بیشتر در شرایط زمانی آنها نهفته است چرا که در بیشتر مؤلفه‌ها شباهت دارند و تنها این محدودیت یا وسعت دایره مشمولیت مؤلفه مورد نظر است که موجب تفاوت میان دیدگاه این دو بزرگوار شده است.

**کلید واژه:** عدالت، عدالت سیاسی، تفکیک قوا، استبدادستیزی، ولایت فقیه.

## فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تحقیق .....
1	1- بیان مسأله .....
2	2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن .....
3	3- سابقه پژوهش .....
4	4- سؤال اصلی .....
4	5- سؤالات فرعی .....
4	6- مفروضات .....
5	7- فرضیه پژوهش .....
5	8- اهداف پژوهش .....
5	9- اما این که چرا عدالت سیاسی؟ .....
6	10- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها .....
6	11- روش پژوهش .....
6	12- سازماندهی پژوهش .....
7	<b>فصل اول: کلیات (مفاهیم و چارچوب نظری) .....</b>
8	مقدمه .....
8	1- عدالت سیاسی .....



- 1-1. مفهوم عدالت ..... 8
- 1-2. مفهوم سیاست ..... 10
- 1-3. عدالت و سیاست ..... 12
- 2- مشروطه و مشروطیت ..... 14
- 3- جمهوری و جمهوریت ..... 16
- 4- نسبت بین مفهوم جمهوریت و مفهوم دموکراسی ..... 17
- جمع بندی ..... 19

## فصل دوم: شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره). Error! Bookmark not defined.

مقدمه ..... Error! Bookmark not defined.

1- جمهوری اسلامی ..... Error! Bookmark not defined.

1-1. جمهوری اسلامی و آگاهی مردم ... Error! Bookmark not defined.

1-2. جمهوری اسلامی و نظارت ..... Error! Bookmark not defined.

1-3. جمهوری اسلامی و احیای هویت .. Error! Bookmark not defined.

2- حکومت عدل و حاکم عادل ..... Error! Bookmark not defined.

2-1. مشروعیت در نگاه امام خمینی ..... Error! Bookmark not defined.

2-2. حکومت اسلامی (قانونی) ..... Error! Bookmark not defined.

2-3. نقش مردم در مشروعیت ولی فقیه (حاکم اسلامی). Error! Bookmark not defined.

3- آزادی سیاسی ..... Error! Bookmark not defined.

3-1. آزادی از دیدگاه امام خمینی ..... Error! Bookmark not defined.

3-2. انواع آزادی سیاسی از دیدگاه امام خمینی. Error! Bookmark not defined.

3-2-1. آزادی اندیشه و بیان ..... Error! Bookmark not defined.

3-2-2. آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی. Error! Bookmark not defined.

**Error! Bookmark not defined....** 3-2-3. آزادی احزاب سیاسی:

**Error! Bookmark not defined.....** 3-2-4. آزادی انتخابات:

**Error! Bookmark not defined.....** 3-2-5. آزادی های شخصی:

**Error! Bookmark not defined.....** 4- تفکیک قوا

**Error! Bookmark not defined.** 4-1. تفکیک قوا در نظریه ولایت انتصابی فقیه.

**Error! Bookmark not defined.....** 5- قانون گرای

**Error! Bookmark not defined.....** 6- صدور انقلاب

**Error! Bookmark not defined.....** 7- نظارت بر قانون گذاری و اجراء قانون

**Error! Bookmark not defined.....** 8- شرایط امام برای نمایندگان مجلس

**Error! Bookmark not defined.....** جمع بندی

## **فصل سوم: شاخص های عدالت سیاسی در اندیشه سیاسی آیت الله نائینی.**

**Error! Bookmark not defined.....** مقدمه

**Error! Bookmark not defined.....** 1- مفهوم سیاست از دیدگاه نائینی

**Error! Bookmark not defined.....** 2- نظام سیاسی و کارگزاران

**Error! Bookmark not defined.....** 3- انواع ولایت از دیدگاه نائینی

**Error! Bookmark not defined.....** 3- تلقی نائینی از آزادی و مساوات

**Error! Bookmark not defined.....** 3- 1- مساوات در حقوق

**Error! Bookmark not defined.....** 3- 2- مساوات در احکام

**Error! Bookmark not defined.....** 3- 3- مساوات در قصاص

**Error! Bookmark not defined.....** 4-1- قوای استبداد

**Error! Bookmark not defined.....** 4-1- 1- جهل

**Error! Bookmark not defined.....** 4- 2-1- استبداد دینی

**Error! Bookmark not defined.....** 4-1-3 شاهپرستی

**Error! Bookmark not defined.** 4-4-1 ایجاد اختلاف در حوزه زبان، ذهن و عمل

**Error! Bookmark not defined.** 4-5-1 برجسته نمودن چهره اجبار حکومت

**Error! Bookmark not defined.** 4-1-6 همکاری و هماهنگی تمام نیروهای استبداد

**Error! Bookmark not defined.** 4-1-7 غصب قوا و به کارگیری آن در سرکوب ملت

**Error! Bookmark not defined.....** 5- علاج استبداد

**Error! Bookmark not defined.....** 5-1-1 علاج جهالت و نادانی

**Error! Bookmark not defined.....** 5-2-1 علاج استبداد دینی

**Error! Bookmark not defined.....** 5-3-1 ریشه‌کن کردن شاهپرستی

**Error! Bookmark not defined.....** 5-4-1 وحدت کلمه

**Error! Bookmark not defined.....** 7- مجلس شورای ملی

**Error! Bookmark not defined.....** 8- مشروع بودن همه‌پرسی و رأی اکثریت

**Error! Bookmark not defined.....** 8-1-1 شورایی بودن نظام اسلامی

**Error! Bookmark not defined.....** 8-2-1 رهایی از استبداد

**Error! Bookmark not defined.....** 8-3-1 امر به معروف و نهی از منکر

**Error! Bookmark not defined.....** 8-4-1 اعتبار رأی اکثریت

**Error! Bookmark not defined.....** 8-4-1-1 سیره عقلا

**Error! Bookmark not defined.....** الف- سیاستمدار بودن

**Error! Bookmark not defined.....** ب- بی‌غرضی و بی‌طمعی

**Error! Bookmark not defined.....** ج- غیرت کامله و خیرخواهی

**Error! Bookmark not defined.....** 9- ولایت احتیاطی مجتهدین

**Error! Bookmark not defined.....** جمع بندی

## فصل چهارم: شاخص‌های عدالت سیاسی در مطالعه تطبیقی اندیشه‌های امام

خمینی و آیت الله نائینی..... Error! Bookmark not defined.

مقدمه..... Error! Bookmark not defined.

1- نقاط افتراق..... Error! Bookmark not defined.

1-1. بررسی نوع نظام سیاسی..... Error! Bookmark not defined.

1-2. نوع مشارکت مردمی در حکومت.. Error! Bookmark not defined.

1-3. صدور انقلاب..... Error! Bookmark not defined.

2- نقاط مشترک..... Error! Bookmark not defined.

2-1. استبدادستیزی..... Error! Bookmark not defined.

2-2. منشأ مشروعیت حکومت‌ها..... Error! Bookmark not defined.

2-3. قانون - قانون اساسی..... Error! Bookmark not defined.

2-4. مجلس قانون‌گذار و شرایط نمایندگان. Error! Bookmark not defined.

2-5. شورای فقها و نگهداری از حدود اسلام. Error! Bookmark not defined.

2-6. تقوا و عدالت مانع درونی استبداد. Error! Bookmark not defined.

2-7. نظارت بر عملکرد دولت و حاکم. Error! Bookmark not defined.

2-8. آزادی..... Error! Bookmark not defined.

2-9. تفکیک قوا..... Error! Bookmark not defined.

جمع بندی..... Error! Bookmark not defined.

خاتمه: نتیجه‌گیری..... Error! Bookmark not defined.

فهرست منابع..... Error! Bookmark not defined.

1. کتابها..... Error! Bookmark not defined.

2. نشریات..... Error! Bookmark not defined.

## مقدمه: طرح تحقیق

### 1- بیان مسأله

عدالت سیاسی یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی به شمار می‌آید، ارتباط عدالت و سیاست به شکل‌گیری مفهوم عدالت سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت اجتماعی منجر می‌شود، منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی ادامه دهند، عدالت سیاسی به معنای کاربرد اصل عدل در عرصه‌های نظری و عملی سیاست است و با مفاهیم سیاسی از یک سو و از سوی دیگر با عناصر و نهادهای عینی اعمال قدرت همچون حکومت و روش تولید و توزیع قدرت سیاسی در ارتباط است، اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ در باب حکومت و قدرت آرای گوناگونی ارائه داده‌اند و در مقاطع مختلف تاریخی سعی کرده‌اند تا در راستای وظیفه‌ای که بر عهده آنان گذاشته شده است و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، احکام اسلام را در این زمینه پیاده کنند، اما، از آنجا که بحث از عدالت و به ویژه عدالت سیاسی بدون بحث از قدرت و حکومت بی‌معناست چرا که عدالت از مفاهیم اساسی و تجزیه‌ناپذیر قدرت است. همواره علما با صاحبان قدرت در ارتباط بوده‌اند هر چند این ارتباط از باب عمل به وظیفه‌ای که بر عهده آنان بوده است، بیشتر حالت تنازع و کشمکش بوده است چرا که آن‌ها همواره سعی در احقاق حقوق عامه مردم داشته‌اند و نیز سعی در متعادل کردن قدرت حاکم بر جامعه داشته‌اند و این مسأله در مقطعی از تاریخ که زمینه‌ای فراهم بوده، بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفته است.

در میان علماء امام خمینی و آیت الله نائینی با توجه به شرایط زمانی بیشتر توانسته‌اند به

این مسأله پردازند، از این رو آرای امام خمینی و آیت الله نائینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آیت الله نائینی درگیر مسایل مشروطه بوده و با تدوین کتاب تنبیه الامه نظریات مهمی در باب سیاست و حکومت ارائه داده و به نوعی می‌توان گفت با جدیت و تلاش به دنبال عدالت و به ویژه عدالت سیاسی در جامعه بود امام خمینی نیز از آن جهت که با آراء و جدیت خود پایه‌گذار نهضتی شد که حاصل آن در کوتاه مدت سرنگونی رژیم دیکتاتور و عدالت‌ستیز پهلوی و شکل‌گیری نظام عدالت محور جمهوری اسلامی بود، و در درازمدت فراهم شدن زمینه‌های عدالت در سطح جهان بود، را می‌توان احیاء کننده بحث عدالت و عدالت سیاسی در سطح حکومت و قدرت و جامعه دانست. هدف عمده پژوهش حاضر پاسخگویی به پرسش از مؤلفه‌های عدالت سیاسی از دیدگاه امام خمینی و آیت الله نائینی و مقایسه این مؤلفه‌ها می‌باشد.

## 2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

اولین علتی که می‌توانم برای انتخاب این موضوع بیان کنم علاقه شخصی به تحقیق در این موضوعات است که نقش سازنده و تعیین کننده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اندیشمندان مسلمان دارد.

به عنوان دومین علت می‌توان گفت که با توجه به نقشی که این دو شخصیت (امام خمینی و آیت الله نائینی) در تاریخ معاصر ایران داشته‌اند و نیز با توجه به تحولاتی که این دو ایجاد کرده‌اند، می‌توان گفت که بازایی موارد تفاوت آراء می‌تواند زوایای اندیشه‌ای این دو بزرگوار را بیشتر تبیین کند تا گامی در جهت بهره‌برداری عملی بیشتر باشد.

و به عنوان سومین علت می‌توان گفت از آن جا که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بر پایه افکار و اندیشه‌های امام خمینی شکل گرفته، باید تداوم آن هم بر پایه اندیشه‌های ایشان باشد تا بتواند به اهداف خود برسد، از این رو آنچه که در این راستا اهمیت پیدا می‌کند شناخت تفصیلی آراء و اندیشه ایشان می‌باشد تا این شناخت مقدمه‌ای برای عمل

کردن به آن قرار گیرد که اگر این مسیر طی نشود این احتمال (و شاید یقین) وجود دارد که انقلاب از مسیر خود منحرف شده و به سرمنزل مقصود و اهداف خود نرسد. از آن جا که یکی از مؤلفه‌های مهم مطرح شده (نه به طور تصریحی) عدالت سیاسی است، که از طرف خلف صالح ایشان این مؤلفه مورد تأکید قرار گرفته است، لذا شناخت مؤلفه‌های عدالت سیاسی مطرح شده از سوی امام و مقایسه آن با مؤلفه‌های عدالت سیاسی مطرح شده از سوی آیت الله نائینی، با توجه به استفاده‌ای که ما از تجربیات موفق و ناموفق گذشتگان می‌کنیم، می‌تواند بهتر و بیشتر ما را در مسیر عملیاتی کردن مؤلفه‌های عدالت سیاسی از نگاه امام به پیش ببرد.

### 3- سابقه پژوهش

آنچه که در بیان سابقه پژوهش در این موضوع باید بیان شود این است که در مجموع راجع به عدالت سیاسی از نگاه این دو بزرگوار به طور مبسوط نوشته‌ای وجود ندارد، هر چه هست به طور اجمال شاهد موضوعات خاصی از اندیشه این دو شخصیت می‌باشد و در قالب تک‌نگاری ارائه شده است، در هیچ کدام از آثار ارائه شده به طور مستقل و تفصیلی به مقایسه مؤلفه‌ها و اصول عدالت سیاسی در اندیشه این دو بزرگوار نپرداخته است، لذا به طور کلی کارهای صورت گرفته در این موضوع را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته‌ای از تحقیقات و پژوهش‌ها صرفاً در حوزه نظری نگاشته شده اما به گونه‌ای نیستند که قابل عملیاتی شدن باشند، دسته‌ای دیگر در راه بیان برخی از مؤلفه‌های اندیشه این دو بزرگوار دچار انحرافات شده، دسته‌ای دیگر هم خیلی جهت‌دار به مسأله نگاه کرده‌اند، با توجه به این مطالب می‌توان گفت چون هدف ما در این پژوهش کاربردی و عملیاتی کردن اصول عدالت سیاسی از نگاه این دو بزرگوار به ویژه مرحوم امام می‌باشد، در صدیم تا آنچه را که مکتوب می‌کنیم اولاً معقولانه باشد ثانیاً جهت‌دار نباشد بلکه بی‌طرفانه و منصفانه باشد و ثالثاً این که با مقایسه کردن یک نتیجه قابل عملیاتی شدن را بیان کنیم.

#### 4- سؤال اصلی

از آنجا که هر پژوهش به دنبال پاسخگویی به یک سؤال اصلی است پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: مهم‌ترین شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی و آیت الله نائینی چیست؟ و نقاط اشتراک و افتراق اندیشه آنان در این باره کدام است؟

#### 5- سؤالات فرعی

- 1- مراد از عدالت سیاسی چیست؟
- 2- شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی چیست؟
- 3- شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه آیت الله نائینی چیست؟
- 4- نقاط اشتراک و افتراق اندیشه امام خمینی و آیت الله نائینی درباره شاخص‌های عدالت سیاسی چیست؟

#### 6- مفروضات

- 1- دین اسلام دین عدالت است.
- 2- در متون دینی به عدالت و از جمله عدالت سیاسی پرداخته شده است.
- 3- اندیشه‌های بزرگان دین نمودهایی از دین در جامعه است.
- 4- تحقق عدالت سیاسی در جامعه منوط به شناسایی شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه بزرگان و علماء دین و عملی کردن آنها در جامعه است.
- 5- هدف همه ادیان الهی از جمله، و بلکه به طریق اولی اسلام که مکمل همه ادیان الهی است، این نبوده که فقط به پرورش بعد خصوص و شخصی افراد بپردازد و از توجه به اجتماع انسان‌ها غافل باشد بلکه همه ادیان الهی به اجتماع و ملزومات اجتماع توجه کرده‌اند که از جمله این ملزومات برپایی حکومت می‌باشد و این که چه کسی و چگونه و بر طبق چه قوانینی حکومت کند.



6- آنچه مسلم است این است که حکومتی می تواند الهی باشد که قوانین آن الهی باشد، و این تنها از عهده دین شناسان متعهد برمی آید که متولی پیاده کردن ابعاد مختلف دین از جمله عدالت و حکومت باشند.

### 7- فرضیه پژوهش

فرضیه ما در این پژوهش این است که هم امام و هم آیت الله نائینی در راستای تحقق عدالت سیاسی مؤلفه‌هایی را مطرح کرده‌اند (که بیشتر مؤلفه‌ها استنباطی است نه تصریحی) که در برخی از مؤلفه‌ها مشترک ولی در برخی دیگر متفاوت هستند، و در برخی مؤلفه‌ها با توجه به تفاوت شرایط زمانی این دو بزرگوار، حضرت امام محدوده و گستره بیشتری را مورد توجه قرار داده‌اند.

### 8- اهداف پژوهش

در این پژوهش ما بر آنیم تا اولاً، گاهی در جهت تبیین بهتر آرمان‌های امام(ره) و آیت الله نائینی، به ویژه در مقوله عدالت سیاسی برداریم. ثانیاً، با توجه به تمایلی که به الگوگیری از انقلاب اسلامی و مدل ارائه شده از سوی امام خمینی، در سطح جهانی وجود دارد و نیز با توجه به این که الگوی سیاسی ارائه شده از سوی امام خمینی در مقابل الگوهای مطرح روز دنیا قرار گرفته، باید سعی شود که تا ابعاد مختلف این الگو به خوبی مطرح و تبیین شود تا هم در مسیر الگوگیری از آن سرعت بیشتری به وجود آید و هم از انحرافات که ممکن است با دسیسه‌های برنامه‌ریزی شده در آن پدید آید، مصون بماند.

### 9- اما این که چرا عدالت سیاسی؟

هدف از انتخاب عنصر و مؤلفه عدالت سیاسی این است که امروز تمام حکومت‌ها و مدل‌های حکومتی در دنیا داعیه برقراری عدالت و بالخصوص عدالت سیاسی را برای مردم دارند ولی در عمل آنچه مشاهده می‌شود چیزی غیر از خدعه و نیرنگ و سوء استفاده از مردم

در راستای رسیدن به اهدافشان و در اختیار گرفتن هر چه بیشتر مراکز قدرت و ثروت توسط عده‌ی خاص و قلیلی نمی‌باشد. لذا نگارنده بر خود فرض دانسته گامی در جهت پیشبرد اهداف امام و جهانی کردن اندیشه ایشان بردارد تا با گذشت زمان برای همه مردم در هر نقطه عالم، امکان استفاده از اندیشه عدالت‌محور امام خمینی که برگرفته از اسلام ناب محمدی است فراهم شود.

### 10- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، طبیعی است که روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای باشد.

### 11- روش پژوهش

نوع روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

### 12- سازماندهی پژوهش

این رساله مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه و نتیجه‌گیری است، در مقدمه طرح تفصیلی پژوهش مطرح شده است. در فصل اول مفاهیم و کلیات مطرح شده است، در فصل بعد مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه امام و در فصل سوم مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت سیاسی در اندیشه آیت الله نائینی مطرح شده است. در فصل چهارم به مقایسه این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها پرداخته‌ایم و در خاتم به نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

فصل اول:

## کلیات

(مفاهیم و چارچوب نظری)

## مقدمه

هر تحقیق بر پایه مفاهیم بنیادینی شکل می‌گیرد و بدین منظور در پی توضیح مفهومی برخی واژگان کلیدی در ارتباط با عدالت سیاسی هستیم که پژوهش حاضر متأثر از آنهاست به شکلی عدالت سیاسی در گرو تحقق مشارکت سیاسی و فراهم بودن زمینه‌های آن در جامعه، حق برابر شهروندان در دستیابی به مناصب و موقعیت‌های سیاسی و برخورداری از حمایت قاطع قانون و امنیت گسترده وابسته است.

## 1- عدالت سیاسی

برای توضیح مفهوم عدالت سیاسی، در ابتدا لازم است مفهوم عدالت و سیاست بررسی شود و سپس ارتباط عدالت با سیاست توضیح داده شود.

### 1-1. مفهوم عدالت

عدالت یکی از دغدغه‌های بشری و از اساسی‌ترین موضوعات مورد بحث همه فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی، از همه‌ی مکاتب بشری و الهی بوده است. اندیشه سیاسی کلاسیک در غرب با فیلسوفانی نظیر «افلاطون» آغاز شده است. افلاطون از جمله فلاسفه یونان باستان است که در بحث عدالت تأکید بسیار کرده است. به گونه‌ای که عنوان فرعی رساله «جمهور» او عبارت است از «رساله‌ای پیرامون عدالت». وی در این رساله می‌کوشد، برداشت خود از عدالت را برای خواننده روشن کند. تعریف نهایی او از عدالت عبارت است از «قرار دادن هر شی و هر فردی بر سر جای خود». از نگاه افلاطون هر کس در جامعه برای کار و هدف خاصی ساخته شده است. بنابراین، صرفاً باید وظیفه خود را به خوبی انجام دهد. پس عدالت آن است که انسان‌هایی با

استعدادهای متفاوت، دارای جایگاه‌های متفاوت در جامعه باشند.<sup>۱</sup>

«سنت آگوستین» از جمله اندیشمندانی است که در طی قرون وسطی از عدالت صحبت می‌کند، آگوستین تفسیری ایدئولوژیک از عدالت داشت. از دید او عدالت در حقیقت عشق به خیر اعلی یا خداست و خدا مطابق قانون عدالت، بر هر کسی به اندازه استحقاقش درجه‌ای از شرف می‌بخشد و این شرف باعث ایجاد نظم در درون انسان می‌شود.<sup>۲</sup>

با ورود به قرن بیستم، موضوع عدالت شکل دیگری به خود پیدا کرد در ابتدای این قرن، «کارل مارکس» با ایده‌های سوسیالیستی خویش، موضوع عدالت اقتصادی و سیاسی را پیش کشید و در تضاد بین برابری و آزادی، برابری را ترجیح داد. نظریه عدالت اقتصادی او به سمت عدالت توزیعی پیش رفت و به آرمان شهری رسید که نه مالکیت خصوصی و نه دولت را برمی‌تافت.<sup>۳</sup> در واقع مارکس با این اندیشه می‌خواست به نظام سرمایه‌داری حمله کند در افق‌های قرن نیز، در نقطه مقابل، جان راولز کتاب «نظریه عدالت» را با رویکرد لیبرالیستی و در دفاع و اصلاح نظام سرمایه‌داری نوشت و به تشریح اصول عدالت پرداخت<sup>۴</sup> و سعی کرد بین عدالت و آزادی آشتی برقرار کند.

در اسلام نیز عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در اهمیت موضوع عدالت در ادیان

---

1 - احمد جالینوسی و سارا نجف‌پور، *مفهوم عدالت در اسلام و غرب*، دانش سیاسی، شماره 5، بهار و تابستان 1386، ص 102.

2 - بهرام اخوان کاظمی، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1381، ص 50.

3 - ناصر جمال‌زاده، *عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناختی*، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دهم، پاییز و زمستان 1387، ص 6.

4 - اصول عدالت از نگاه راولز عبارتند از: اولاً، هر شخص قرار است حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد. ثانیاً قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که: الف) به نحو معقول انتظار رود به سود همگان باشند؛ ب) وابسته به مشاغل و مناصب باشند که دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر است. به نقل از: جان راولز، *نظریه عدالت*، ترجمه محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1387، ص 110.

الهی، همین بس که خداوند در قرآن کریم، هدف از بعثت انبیاء را اقامه عدل در جامعه خوانده است.<sup>۱</sup> و پیامبر گرامی اسلام(ص)، عدل را میزان و ترازوی خداوند در روی زمین خوانده است. آنجا که فرمود: «العدل میزان الله فی الارض»<sup>۲</sup>. یا حضرت علی(ع) در نامه به مالک اشتر، او را به عدالت رفتار کردن با مردم می خواند:

«به راستی بهترین چیزی که چشم مسئولان جامعه به آن روشن می شود، پایدار ساختن

عدل و داد در کشور و اظهار دوستی و محبت به مردم است.»<sup>۳</sup>

عدالت در بین اندیشمندان اسلامی هم همواره مطرح بوده است. «ابونصر فارابی» به عنوان یک فیلسوف اسلامی عدالت را مطرح می کند، که می تواند هم وجه سیاسی و هم اقتصادی داشته باشد عدالت در دیدگاه او به این معناست که همه به سعادت و کمال افضل خود برسند و هیچ عضوی از اعضای جامعه به حقوق و وظایف دیگری تعدی نکند.<sup>۴</sup> «علامه نائینی» از مشاهیر فقه و اندیشه سیاسی اسلامی معاصر است. برای شناخت عدالت از منظر وی، باید ابتدا دیدگاه وی را راجع به حکومت بدانیم. به عقیده نائینی یکی از مهم ترین وظایف دولت عبارت است از: «تأمین مصالح و نظم داخلی مملکت و ملت مثل تربیت احاد ملت و رساندن هر ذی حقی به حق خود و جلوگیری از تعدی افراد به یکدیگر»<sup>۵</sup>. در مجموع، نائینی دوام و بقاء حکومت را در سایه عدل و برابری ممکن می داند.

## 2-1. مفهوم سیاست

سیاست عموماً به مفهوم اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه است. پس در سیاست

1 - ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾. حدید (57)، آیه 25.

2 - میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، جلد 11، بیروت، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، 1411هـ، ص 317.

3 - نهج البلاغه، نامه 53.

4 - ابونصر فارابی، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1379، ص 39.

5 - محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1358، ص 7.

عمل، عامل و موضوع عمل وجود دارد، عامل عمل سیاست حکومت و یا نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی دولت هستند. موضوع عمل، گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت‌اند. دولت برای اخذ و اجرای تصمیمات به عنوان سیاست، نیازمند قدرت و توجیه قدرت یعنی اقتدار، مشروعیت و ایدئولوژی است، اجرای تصمیمات نیازمند قدرت و نهادهای اجبارآمیز است، قدرت، اجبار، نفوذ، فشار و... ابزارها و دست‌مایه‌های سیاست هستند. هم‌چنین، موضوعات عمل سیاست یعنی مردم به دلیل اجبار، قدرت، اقتدار و مشروعیت نهفته در تصمیمات، از آن‌ها اطاعت می‌کنند نهادهای سیاسی، مجاری اخذ و اجرای تصمیم‌ها و اعمال سیاسی هستند. از آن جا که موضوع عمل سیاست، جامعه است، سیاست فعالیت‌های گروهی است.<sup>1</sup>

ارسطو در مورد هدف سیاسی می‌گوید:

«غایت سیاست خیری خواهد بود که اختصاص به انسان دارد اگرچه در واقع خیر فرد و خیر مدینه یکی است، با وجود این، حفظ و رعایت خیر مدینه بر خیر فرد مقدم و مقدس‌تر است.»<sup>2</sup>

به عبارت دیگر، ارسطو از سیاست، «علم سیاست» را مراد می‌کند و به شکلی آن را مطالعه علمی دولت - شهر و یا مطالعه تمام چیزهای سیاسی می‌داند که به «هنر سیاست» مربوط می‌شود. اگر ما بخواهیم برای ارسطو، تعریفی از سیاست بسازیم، سیاست به نظر ارسطو هر آن چیزی که در شهری می‌گذرد و به ابعاد سعادت آدمی مربوط است، عالم در تعریف سیاست می‌گوید: «سیاست رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کادرهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت دیگر است.»<sup>3</sup>

سیاست در فرهنگ اسلامی، به «تدبیر» تعریف شده است. تدبیر عبارت از سامان دادن

---

1 - حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، 1381، صص 26-27.

2 - ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ اول، تهران، طرح نو، 1378، ص 14.

3 - عبدالرحیم عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، 1373، ص 30.

کارها به سمت هدف از پیش تعیین شده است. این هدف، همان سعادت قصوا است که مقدمات وصول به آن در آخرت، در دنیا فراهم می‌گردد. از این رو است که در عالم اسلام، معرفت سیاسی، غایت محور، اخلاق محور، فضیلت محور و در یک کلام، هدایت محور است. اگر دولت نهادی است که مردمان را به سعادت قصوا رهنمون می‌شود، پس لازم است که خود هدایت شده باشد.<sup>۱</sup>

«ابونصر فارابی» از علم مدنی یاد می‌کند که هدفش بحث در «افعال و رفتار - و ملکات و اخلاق» است و این که رواج این افعال در میان مردم تنها توسط حکومتی امکان‌پذیر است که تنها با نیروی خدمت و فضیلت به چنین کاری دست می‌زند. از نگاه فارابی این خدمت عبارت است از پادشاهی و فرمانروایی، یا هر نام دیگری که مردم برایش انتخاب می‌کنند و حاصل این خدمت را سیاست می‌گویند. غایت سیاست یا علم مدن، بحث در سعادت عملی آدمی است، یعنی برقراری ملکات و اخلاق در آدمی و خدمت دولت در پاسداری از این ملکات و اخلاق و حتی تشویق فرد به کسب آنهاست و همین خدمت سیاست است، به زبان دیگر سیاست، تأمین سعادت آدمی است.<sup>۲</sup>

### 3-1. عدالت و سیاست

ارتباط عدالت و سیاست به شکل‌گیری مفهوم عدالت سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت اجتماعی منجر می‌شود. عدالت اجتماعی ارزشی است که با فراگیر شدن آن جامعه دارای زمینه‌هایی می‌گردد که افراد به حق خود می‌رسند و امور جامعه به تناسبی و تعادل در جای خویش قرار می‌گیرد. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند در مقام اجرا، حکومتی عادل است که با

---

1 - علی اکبر علیخانی و همکاران، *درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، 1388، ص 409.

2 - فرهنگ رجایی، *مباحث پایه: سیاست چیست و چگونه تعریف می‌شود؟* سیاست خارجی، شماره 10، تیر و شهریور 1368، ص 182.



رفع محدودیت‌ها، امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را بر حسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند. از طرف دیگر، شهروندان به احقاق حقوق‌شان از سوی دولت اطمینان داشته باشند.

عدالت سیاسی به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود این که حاکمان مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر، می‌تواند با عدالت سیاسی مربوط باشد از دیدگاه مردم، اگر حکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد حکومت عادلانه است؛ در غیر این صورت، اگر با زور و اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد آن حکومت ظالم است و فرمان‌برداری از آن جایز نیست. هم‌چنین، در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محدودیت‌ها، امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را بر حسب استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند.<sup>1</sup>

از نظر راولز، محتوای تلقی سیاسی از عدالت باید سه ویژگی داشته باشد. به نظر وی چهره مساوات‌طلبانه تلقی وی از عدالت، مرهون وجود این ویژگی‌های سه‌گانه است. ویژگی اول و دوم به تعیین حقوق و آزادی سیاسی و برتری و تقدم بخشیدن به آن‌ها نسبت به سایر خیرات اولیه اجتماعی مربوط می‌شود. ویژگی سوم که با اصل تمایز تأمین می‌شود، فراهم آوردن ضوابط و معیارهایی است که در سایه آن شهروندان بتوانند به طور مؤثری از آزادی‌ها و فرصت‌های پدید آمده برای وصول به اهداف خویش بهره‌مند شوند. این اصل بر برابری فرصت‌ها تأکید دارد و نابرابری اقتصادی و اجتماعی را در صورتی مجاز می‌شمارد که بیشترین منافع را برای اقشار کمتر بهره‌مند در پی داشته باشد.<sup>2</sup>

در اندیشه اسلام عدالت سیاسی بنیادی است شرعی، اخلاقی و برهانی که در یک نظام صحیح الهی - مردمی مشروع است. عدالت، فرماندهی حاکمان و فرمانبری حکومت شونده‌گان را قانونی می‌سازد و با رفع محدودیت‌های ساختگی، مشارکت برابر و آزادانه‌ی عموم را در

---

1 - ناصر جمال‌زاده، ص 8.

2 - John Rawls. Political Liberalism. New York, Colombia University press, 1993, pp 11-14.

عرصه‌های سیاسی فراهم می‌کند. توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد صورت می‌گیرد. هر کسی به اندازه قابلیت، توانایی‌اش در امور سیاسی اجیر می‌گردد.

یکی از پژوهشگران با توجه به دیدگاه‌های پیامبر اکرم(ص)، در تعریف عدالت سیاسی می‌گوید: «عدالت سیاسی عبارت است از مجموعه قواعد متناسب و هدفمند بر آمده از عقل و دانش و مبتنی بر برابری انسان، برای تدبیر امور جامعه به بهترین نحو ممکن از هر شرایط، به گونه‌ای که تصمیم‌گیرنده راضی شود، جای خود را با افراد مورد تصمیم عوض کند.»<sup>1</sup>

عدالت سیاسی «رعایت حق غیر است»<sup>2</sup> و تبعیض آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های هم‌سان، بین آدم‌ها فرق گذاشته شود. عدالت سیاسی دستیابی همه‌ی انسان‌ها به بلوغ و کمال و برابری آن‌ها در برابر قانون است. برای تحقق عدالت سیاسی در جامعه و حکومت نیاز به پایه‌ها و بنیان محکمی است که قدرت پذیرش و توجیه کامل عدالت سیاسی را به مثابه ملاک تعیین‌کننده در این حوزه داشته باشند ما این پایه‌ها را شاخص‌های عدالت سیاسی می‌نامیم که با مفروض گرفتن آن‌ها می‌توان از عدالت سیاسی سخن گفت و شرایط تحقق آن را بر مبنای آن شاخص‌ها فراهم نمود. در این پژوهش، مقوله‌های نظام سیاسی، کارگزاران سیاسی، نهادها و ساختارهای سیاسی، رفتارهای سیاسی و قوانین سیاسی عدالت سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## 2- مشروطه و مشروطیت

واژه «مشروطه» همراه واژه ضد خود یعنی «نامشروط» یا «استبداد» است که یادآور دولت‌های مستبد و عدم حضور مردم در صحنه‌های تصمیم‌گیری سیاسی است. بنابراین «اندیشه مشروطیت در زمینه دولت مطلقه پیدا شد.»<sup>3</sup>

1 - برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به مقاله علی اکبر علیخانی، «عدالت سیاسی در سیره نبوی»، ص 89.

2 - مرتضی مطهری، *عدل الهی، مجموعه آثار*، جلد 1، تهران، انتشارات صدرا، 1380، ص 125.

3 - آندرو وینست، *نظریه‌های دولت*، ترجمه دکتر حسین بشیریه، تهران، نشر نی، 1376، ص 124.

مشروطه به معنای حکومت مشروطه، در لغت‌نامه دکتر معین به معنای نوعی حکومت است که در آن وضع قوانین به عهده مجلس یا مجلسین (شورا و سنا) می‌باشد و دولت مجری آن قوانین محسوب می‌گردد، در مقابل استبداد.<sup>1</sup>

برای یافتن معنی و مفهوم مشروطه، مراجعه به متکفران و نویسندگان معاصر انقلاب مشروطیت ایران تا حدی راه‌گشاست. در آثار تاریخ معاصر ایران، ترکیه و عرب، واژه مشروطه به عنوان معادلی برای لغت انگلیسی (کنستیتوشنالیسم) Constitutionalism یا حکومتی که بر اساس قانون اساسی و سیستم پارلمانی تشکیل یافته باشد به کار برده شده است.

«واژه دولت مشروطه (constitutionqlism) از فعل *to constitute* تشکیل دادن و بنیان گذاشتن) می‌آید که از ریشه لاتین *constituel* برپا داشتن، ایجاد و تأسیس کردن) گرفته شده است، از نظر لغوی آن چه برپا داشته می‌شود، تشکیل و تأسیس می‌شود و در نتیجه می‌توان به محتوای آن چه تشکیل و تأسیس شده است به عنوان «اساس و مبنا» *constituion* اشاره کرد. چون تشکیل دادن همان عمل تأسیس کردن است، بنابراین «اساس یا مبنا» قانون و قاعده‌ای است که تأسیس شده است.»<sup>2</sup>

در ایران دو واژه مشروطه و مشروطیت به سیستمی اطلاق می‌شود که پس از انقلاب سال 1324 قمری پدید آمد در کشورهای عربی، واژه دُستور و در هند و پاکستان لغت آیین؛ که هر دو در فارسی است به جای لفظ کنستیتوسیون به کار برده شده است. در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام رژیم مشروطه در آن کشور (1826/1293) واژه مشروطه به حکومتی اطلاق می‌شده است که بر اساس یک قانون اساسی پایه‌گذاری شود. فامق کمال، متکفر قرن 19 عثمانی، به کرات در نوشته‌های خود عبارتهای «دولت مشروطه» و «اداره مشروطه» را به معنای حکومت قانونی و غیر استبدادی به کار برده است.<sup>3</sup>

سیاست‌مداران غربی نیز مشروطیت را مترادف قانون اساسی و حکومت قانون گرفته‌اند به

1 - دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، 1364، ص 42، 41.

2 - فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران [بی‌نا]، 1340، ص 66.

3 - آندرو وینسنت، نظریه‌های دولت، پیشین، ص 123.

عنوان نمونه:

«قبل از این تاریخ (1787 مسیحی) یکی از سیاسیون نامدار انگلیسی به اسم لارد چستر فیلد که 14 سال پیش از به وجود آمدن قانون اساسی آمریکا (1787) مرد، گفته است که انگلیس تنها مملکت پادشاهی است در عالم، که می‌توان به حقیقت گفت، صاحب یک قانون اساسی یعنی مشروطیت است.»<sup>1</sup>

مشروطیت یا حکومت مشروطه، رژیم سیاسی یا حکومتی است که دامنه‌ی کاربرد قدرت در آن محدود به حدود قانون است. به همین دلیل در برابر واژه استبداد قرار دارد. وجود رابطه قانونی میان حکومت و شهروندان و پای‌بندی به قانون، از شرایط بدیهی و ذاتی حکومت مشروطه است. از این رو مفهوم «آزادی فردی» و حدود آن یکی از جنبه‌های مهم قانون اساسی و بلکه مهم‌ترین فصل آن در حکومت مشروطه است.<sup>2</sup>

### 3- جمهوری و جمهوریت

جمهوری، معادل واژه ریپابلیکا، (Republiqu) نامی دیرآشنا در فلسفه سیاسی است. این واژه، مأخوذ از لغت (Republic)، برگرفته از ریشه لاتینی ریپابلیکا (Respublica) و مرکب از دو لفظ رس (Res) به معنای شی یا امر و پاپلیکا (Publica) به معنی عمومی یا همگانی می‌باشد. از این رو؛

«جمهور در معنای شی عمومی، مترادف با اموال، متعلقات و امور همگانی قرار می‌گیرد، این تعریف، خود متضمن دو نکته اساسی است که عبارتند از: حضور همگان در صحنه و دیگر؛ وجود یک جامعه سازمان یافته که در آن بین شیء خصوصی و شیء عمومی، فرق گذاشته می‌شود.»<sup>3</sup>

در فارسی لغت «جمهور» به معنی «همه مردم، گروه، جماعت کثیر، کثیر و متراکم از هر

1 - عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، انتشارات استان قدس رضوی، مشهد، 1368، ص 223.

2 - داریوش آشوری، ما و مدرنیته، تهران، آزادی، 1376، صص 142-143.

3 - دکتر احمد نقیب‌زاده، جمهوریت و اسلام: مورد ایرانی، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران، سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1377، ص 557.

چیزی و توده بزرگ ریگ، آمده است که مصدر جعلی آن جمهوریت می باشد<sup>۱</sup>. لغت نامه فرهنگ معین نیز آن را چنین تعریف می کند: «جمهور؛ توده، (Jomhur) گروه، بخش اعظم یک چیز، حکومتی که زمام آن به دست نمایندگان ملت باشد»<sup>۲</sup>.

بنابراین در ادبیات فارسی، مراد از واژه جمهوری، نوع نظام سیاسی و طرز حکومتی است که به جای پادشاه که اقتدار موروثی داشت و مشروعیت آن به فراسوی اراده بشری مرتبط بود، اداره کشور برای مدت معین به دست نمایندگان مردم سپرده شود، فرهنگ های اروپایی نیز حکومت جمهوری را به همین مضمون تعریف می کنند: «حکومتی که در آن، مردم یا مستقیماً اعمال حاکمیت می کنند، یا توسط نمایندگان برگزیده خود»<sup>۳</sup>.

از نظر تاریخی واژه «جمهوری» در ابتدا به معنای «سازمان سیاسی» استعمال شده است؛ اما شاید در یک جمع بندی کلی تر، بتوان گفت که جمهوریت، گفتمانی است که در نهایت به نفی استبداد معطوف شده است؛ چرا که سامان دهی سازمان سیاسی، آگاهی و تربیت شهروندان آزاد، رفته رفته قدرت سیاسی را مقید به اصول و قوانین مشخص می نماید که می بایست خط مشی و سیاست های خود را در چارچوب خواست و اراده عمومی تنظیم نماید. از این منظر، جمهوریت از یک نظریه به یک فرآیند مبدل می شود که در سیر تاریخی خود تحولات جدی داشته است.

#### 4- نسبت بین مفهوم جمهوریت و مفهوم دموکراسی

واژه دموکراسی مرکب از «دموس» (Demos) به معنای مردم و کراتین (Kratein) به معنای حکومت کردن است که مراد از آن، مشارکت قاطبه ی مردم در «امور عمومی» است که دقیقاً همین معنا در درون واژه جمهوری نیز نهفته است. پس در بادی امر، دو واژه با هم پیوند ذاتی دارند و سه عنصر «مشارکت عامه مردم»، «رضایت اکثریت مردم» و «رقابت عموم در کسب قدرت» به آن

1 - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1373، ص 6901.

2 - دکتر محمد معین، فرهنگ معین، تهران، سپهر، 1364، ص 1242.

3 - مصطفی رحیمی، اصول حکومت جمهوری، تهران، سپهر، 1358، ص 7.

معنا می‌بخشند. اما آن چه به بحث ما مرتبط می‌باشد، این است که چه چیزی مورد رضایت اکثریت باید باشد تا در چارچوب آن، یک نظام حکومتی بر اساس حقوق و تکالیف معینی به رتق و فتق امور بپردازد؟ در حقیقت، این سؤال پاسخ روشنی ندارد. به طور مشخص‌تر، پرسش این است که کدام مردم، برای نیل به چه اهداف و غایاتی، در چه شرایط مادی و روحی، با کدام ابزار و شیوه و بر مبنای کدام ملاک و معیار می‌توانند با اراده و اختیار و با رضایت همگانی، بر خود حکومت کنند؟ این جاست که مشکلات و ابهام‌های جمهوری و دموکراسی، در نظر و عمل آشکار می‌گردد. در دنیای واقعی، مردم عملاً نه قادر به اعمال اراده خود هستند و نه اکثریت چندان انگیزه و تمایلی نسبت به آن دارند. در نتیجه، یک اقلیت ممتاز است که به هر دلیل، به عرصه سیاست و حکومت کشیده می‌شود و اراده‌ی خود را مجرای تدابیر و شگردهای تبلیغاتی و قانونی، موجه و مشروع جلوه داده و به دیگران القاء و تحمیل می‌کند.<sup>1</sup>

اما گاهی از دموکراسی معنا و مفهوم دیگری اراده می‌شود که با جمهوری، نسبت تساوی ندارد و لذا دچار ابهام‌های خاص خود می‌شود. از این منظر، دموکراسی به معنای مجموعه ارزش‌ها و باورهایی تلقی می‌شود که حکومت‌ها می‌بایست بر پایه آن استوار باشند، بنابراین تعریف، جمهوری به شکل، غالب و روش حکومت ارتباط دارد و دموکراسی به محتوا<sup>2</sup> و هنجارها و ارزش‌های (آزادی، برابری، عدالت و...) حکومت مرتبط می‌گردد و به همین دلیل جمهوری‌هایی که دموکراتیک هستند، در واقع درون قالب‌ها و هنجارهای دموکراسی پدید آمده‌اند. در نتیجه شکل و صورت حکومت جمهوری به تبع ارزش‌ها و محتوای آن، متکثر خواهد شد؛ چرا که به تعداد فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، اقوام و مذاهب، قرائت‌ها، برداشت‌ها و بینش‌های متفاوت از اصول دموکراسی و ارزش‌های مربوط به آن، حکومت جمهوری وجود دارد. که شاید بتوان از آن به پلورالیزم حکومتی تعبیر کرد. بنابراین هرگز نمی‌توان یک شیوه حکومتی واحد را برای همگان

---

1 - سید علی اصغر کاظمی، *مبانی نظری و اخلاق جمهوریت*، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران،

سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1377، صص 19-20.

2 - مصطفی رحیمی، پیشین، ص 12.

تجویز نمود و ملت‌های گوناگون را بدون توجه به باورهای حاکم بر آنان، آن‌ها را مجبو به اطاعت از آن نمود.

نکته اصلی در بحث جمهوریت، توجه به رضایت «مردم» است؛ اما مردمی که در یک اتفاق و تجمع با انگیزه و با دلایل مختلف، گرد هم می‌آیند.<sup>۱</sup>  
بنابراین مفهوم و معنای کلیدی که جمهوریت مبتنی بر آن شده توسط مدیسون، در کتاب مشهورش به نام فدرالیست (The Federalist) اشاره شده است؛

*«یک نظام جمهوری، حکومتی است که تمامی اقتدارات خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عامه مردم برمی‌گیرد و از سوی اشخاصی اداره می‌شود که مقام و قدرت خود را از رضایت مردم و در یک مدت محدود به دست می‌آورند؛ آن هم تا هنگامی که با مردم خوش رفتاری می‌کنند.»<sup>۲</sup>*

## جمع بندی

با توجه به تبعی که به عمل آمد در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که آیت الله نائینی و امام خمینی در پنج مقوله و شاخص زیر از عدالت سیاسی سخن گفته‌اند:

1- نظام سیاسی: این که چه نظام سیاسی اگر در جامعه باشد عدالت سیاسی در جامعه اجرایی می‌شود.

2- کارگزاران سیاسی: این که در راستای رسیدن به عدالت سیاسی چه افرادی صلاحیت و شایستگی در رأس بودن را دارند، آیا شایسته‌سالاری حاکم است یا خیر؟

3- قوانین سیاسی: این که در باب قوانین سیاسی، آیا قوانین فراهم‌کننده‌ی روند و مسیری هستند که در آن عدالت سیاسی اجرایی شود و به تعبیر دیگر آیا در وضع و اجرا، برابری افراد جامعه در نظر گرفته می‌شود یا خیر؟

4- نهادها و ساختارهای سیاسی: این که چه نهادها و ساختارهایی زمینه مناسب را برای

---

1 - حاتم قادری، *زمینه‌های نقادی جمهوریت*، جمهوریت و انقلاب اسلامی، پیشین، صص 313-314.

2 - محمود کاشانی، *حقوق مردم*، پایگاه نظام جمهوری، جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران، نشر معاصر، 1370، ص 317.

برقراری عدالت سیاسی در جامعه فراهم می کنند.

5- رفتارهای سیاسی: این که چه رفتارها و عملکردهای سیاسی زمینه و بستری مناسب

برای برقراری عدالت سیاسی در جامعه را فراهم می کنند.